

عنوان مقاله:

تاریخ و ادبیات

محل انتشار:

سومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسنده:

صدرالدین انصاری زاده - منتقد ادبی

خلاصه مقاله:

جهان پسامدرن، جهان رویکردهای بینارشته ای است. نه فقط از آن جهت که مرزبندی های علمی دوران مدرن را نمی پذیرد، بلکه نیز از آن جهت که اگر نه فرصت نگاه ژرف تر، لااقل نگاهی دیگر را به ستاک های انشقاق دریغ نکرده باشد. نقطه ای که ادبیات و تاریخ را از بنیان و شاید تا همیشه همپیوند نگی می دارد منش داستانمند و افسانه پرداز انسان است. این که ما: از واقعیات چارچوب و ارتباط هماهنگ خلق می کنیم، زمان را تدوین و دستکاری می کنیم و نه فقط به زندان ترتیب و شمارش تقویم، بلکه تنظیم های داستانی خود می سپاریم، از زبان اسطوره می سازیم و در نبود حقایق بر گفته ها تکیه می کنیم، آن چه در دست داریم را نمای اصلی و آن چه نداریم را حواشی تاریخ می نامیم، قهرمان و ضدقهرمان خلق می کنیم و ... همه و همه آسیب منش ادبی انسان به ساحت علمی تاریخ است. اما از دیگر سو حقایقی هست که فقط ادبیات توان پرداختن به آن را دارد. این نوشتار کوشش می کند که راهی به تحلیل سود و زیان پیوند تاریخ و ادبیات بگشاید

کلمات کلیدی:

واقعیت، تاریخ، اسطوره، منش داستانی، ادبیات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/654812>

